

نگرشی نو بر طب اسلامی با تاکید بر طراحی

مدل پارادایم اسلامی در طب اسلامی

اسلام آقاپور<sup>1</sup> 09355569461-021 88068923

دکتر مهدی مصری<sup>2</sup>

دکتر رضا محتشمی<sup>3</sup>

چکیده:

طب اسلامی یکی از این حوزه های اساسی علم پزشکی می باشد که از همان ابتدا مورد بحث و گفتگوی فراوان تفکر مدرن می باشد. لذا تغییر جایگاه طب اسلامی در جامعه جدید به موضوعی مهم در محافل علمی و فلسفی اسلامی تبدیل شد و بسیاری از اندیشمندان اسلامی را بر آن داشت تا با بررسی و شناخت هر چه بیشتر طب اسلامی از جنبه های گوناگون، رابطه آن با طب مدرنیته را درک کرده و همچنین آینده آن در جامعه جدید را پیش بینی کنند. مجموعه آیات و روایات و سنت و اعمال پیامبر و خاندان مطهرشان علیهم السلام که در راستای سلامت جسم و درمان دردها و بیماریها می باشد را طب اسلامی می گویند. در این میان چیزی که بیشتر مورد توجه می باشد، ضعف در رعایت سلسله مراتب معرفتی جهت تدوین نظریه علمی در حوزه طب اسلامی و مدل های قابل اجرا جهت تنظیم روابط علمی در حوزه پزشکی و مدیریت این روابط در عرصه سلامت و سبک زندگی می باشد لذا در این مقاله با استفاده از روش اسنادی سعی بر آن شده است که چگونگی طراحی پارادایم طب اسلامی و شکل گیری تئوریهای متفاوت در حوزه طب اسلامی مورد کنکاش قرار گرفته و در نهایت با بررسی ضرورت این مسئله، راهکارهای مختلفی در جهت تئوری سازی طب اسلامی ارائه شود.

کلید واژه ها: طب اسلامی، مراتب معرفتی، نظریه، پارادایم

<sup>1</sup>- کارشناس ارشد جمعیت شناسی و پژوهشگر مرکز تحقیقات طب و دین بقیه الله(عج) [es\\_aghapour@yahoo.com](mailto:es_aghapour@yahoo.com)

<sup>2</sup>- سرپرست مرکز تحقیقات طب و دین بقیه الله(عج)

<sup>3</sup>- جانشین تحقیقات طب و دین بقیه الله(عج)

## طرح مساله:

آغاز پزشکی، دارای تاریخ معین نمی‌باشد و نظرات مختلفی درباره آن ارائه شده است. عده‌ای «هرمس لول» (ارس یا همان ادريس پیامبر) را به عنوان بنیانگذار پزشکی و طب معرفی نموده‌اند و برخی دیگر به تمدن‌های بابل، یمن، مصر، فارس، هند، یونان و ... نسبت داده‌اند. ولی معلوم است که تاریخ پزشکی با تاریخ آفرینش انسان گره خورده است زیرا درد و بیماری از انسان جدا شدنی نمی‌باشد اما به صورت مدون و کلاسیک در زمان جالینوس (۲۰۱ میلادی) و بقراط و افلاطون نظمی به خود بخشیده است. و با ظهور اسلام در شبه جزیره‌ی عربستان رشته‌ی پزشکی شکوفایی فزاینده‌ای به خود گرفت.

با ورود جهان به دوران مدرن آنچه نظر بسیاری از متفکران حوزه پزشکی را به خود جلب کرد ماهیت رابطه میان صورتبندی طب جدید با نظام طب سنتی بود، چرا که به نظر می‌رسید نظام مدرن ساختارها طب سنتی را به چالشی جدی کشیده است. در این میان طب اسلامی یکی از این حوزه‌های اساسی طب سنتی بود که از همان ابتدا مورد بحث و گفتگوی فراوان تفکر مدرن می‌باشد. لذا تغییر جایگاه طب اسلامی در جامعه جدید به موضوعی مهم در محافل علمی و فلسفی اسلامی تبدیل شد و بسیاری از اندیشمندان اسلامی را بر آن داشت تا با بررسی و شناخت هر چه بیشتر طب اسلامی از جنبه‌های گوناگون، رابطه آن با طب مدرنیته را درک کرده و همچنین آینده آن در جامعه جدید را پیش بینی کنند.

طب اسلامی پدیده‌ای است که با سایر نهادها و نیروهای اجتماعی تشکیل دهنده جامعه ارتباط متقابل دارد. در این میان نگرش طب اسلامی و دین، دربردارنده مجموعه‌ای از نمادها است که "احساس حرمت یا خوف را طلب می‌کنند و با شعایر یا تشریفات که توسط اجتماع مومنان انجام می‌شود پیوند دارند"<sup>(۱)</sup>. همین احساس حرمت و خوف است که از نظر بسیاری از اندیشمندان طب اسلامی نه تنها متمایز کننده پدیده‌های پزشکی از سایر امور عادی زندگی است، بلکه نیروی محرک قدرتمندی در واداشتن افراد به تبعیت از هنجارها و قواعد مورد نیاز جهت حفظ سلامت فردی و سلامت جامعه می‌باشد.

اما با آغاز دوران مدرن، جوامع در بسیاری از جنبه‌ها دچار تغییر و تحول شدند. از مهمترین حوادث این دوران می‌توان به پیشرفت سریع علم و تکنولوژی جدید، وقوع انقلابهای دموکراتیک در

اروپا، گسترش نظام اقتصادی مبتنی بر مبادله کالا در سراسر جهان، شهرنشینی فزاینده، پیدایش نهادهای جدید اجتماعی، سیاسی و آموزشی، از میان رفتن تدریجی نظامهای سنتی و افزایش تدریجی دنیوی شدن و در نهایت ایجاد تغییرات اساسی در علم پزشکی و همچنین گرایش متفاوت در حوزه پزشکی اشاره کرد.

در بررسی جریان پزشکی جدید، دو نکته ی انحرافی عمده دیده می شود که عامل اصلی ناکارآمد بودن و بروز بن بست های متعدد در درمان بیماران است:

۱- جدا کردن انسان از طبیعت و محیط و برنامه ریزی درمانی برای او به صورت منفک و مستقل از تمامی عواملی که به طور مستقیم و غیرمستقیم او را تحت تأثیر قرار می دهند .

۲- تلاش در جهت کشف و شناسایی اجزای موجود در طبیعت و تعیین خواص فیزیکی شیمیایی هر کدام از اجزاء برای شناسایی عامل تأثیر مواد مختلف موجود در طبیعت، یعنی انحرافی که از زمان پاراسلس دوم، هنگامی که صنعت را جانشین طبیعت نمود بروز کرد . به طور مثال آگاهی نسبی از بعضی اجزای ترکیبی یک گیاه و عدم آگاهی از کلیت آن گیاه.

محققین و اندیشمندان پزشکی با طرح تحقیقات علمی در صدد ارتقاء آگاهی و دانائی انسان از موارد مبهم از طبیعت و بیماریهای مختلف انسان ها می باشند. اگر چه انسانها ضرورتاً با ابهامات برخورد می نمایند و به نحوی با طرح سؤالات به پاسخهایی نیز می رسند و بر اساس پاسخها اقدام به توجیه، تفسیر یا تبیین آنها می نمایند و نهایتاً چگونگی انطباق و یا دخالت جهت تغییر را عملیاتی می نمایند ولی اندیشمندان در صدد سازماندهی و منطقی نمودن این فرآیندها می باشند. بنابراین اگر چه انسانها به صورت عام با مسائل پزشکی درگیر می باشند ولی اندیشمندان پزشکی علاقه مندند که با تحقیق علمی درگیر شوند. انجام تحقیقات علمی اساساً متکی بر ضرورت تحقیق در زندگی انسانها است. به همین لحاظ است که اندیشمندان مسئولیت دارند که تحقیقات علمی آنان به لحاظ اخلاقی به کمک انسانها جهت ارتقاء آگاهی و دانائی آنها از یک طرف و رفع مشکلات آنان از طرف دیگر و در نهایت افزایش سطح سلامت بشتابد.

بحث و گفتگو پیرامون تحقیق به انسان مربوط می شود. انسان توانائی انجام تحقیق را دارد. انسان است که برای رفع ابهامات، کاهش مشکلات و جواب به سؤالاتی که در ذهن او بوجود می آید، اقدام به فعالیت های قابل تشخیص، قابل تعریف و حتی قابل پیش بینی نماید. انجام این عمل متکی بر توانائی

ذاتی انسان است در کل می‌توان انسان را با دو توانایی و استعداد در رابطه با فرآیند برخورد با مشکلات جسمی و سلامتی معرفی کرد.

۱. استعداد و توانایی حل عقلانی مسأله

۲. توانایی و استعداد حل خلاقانه مسأله

این دو توانایی از عقلانیت و خلاقیت انسان سرچشمه می‌گیرد. انسان بر اساس قدرت عقل به تشخیص و تمیز می‌رسد. عقلانیت در انسان همان قدرت تمایزگذاری، تشخیص شباهت‌ها و تفاوت‌ها و تشخیص مرزها و محدودیت‌ها است. دوام و پایداری، ثبات و ماندگاری فعالیت‌های انسان در گروه عقلانیت آن است. این در حالی است که انسان بر اساس قدرت خلاقیت اقدام به نوآوری، شکوفائی، خطرپذیری، اختراع، ابداع می‌نماید. خلاقیت، انسان را به سمت رهایی، آزادی و تحول خواهی هدایت می‌کند در حالی که عقلانیت انسان را به ثبات، ماندگاری، دوام و مرزبندی در زندگی ترغیب می‌نماید. این دو توانایی نیز در هویت‌یابی نظام سلامت و چگونگی تعیین سبک زندگی افراد جامعه و استمرار آن نقش اساسی دارند. نظام‌های پزشکی در طراحی و تدوین مناسبات علمی و تعلیمی خود که محوریت سلامت افراد در جامعه را بعهدده دارند اقدام به فعالیت‌های عقلانی می‌نمایند، در حالی که در طراحی ساخت و ساز فرهنگ سلامتی از پتانسیل خلاقیت اعضاء خود استفاده می‌کنند. اگر چه بحث عقلانیت و خلاقیت در نظام‌های سلامت بحث معضلی است و مکاتب فکری در علوم پزشکی متکی بر این دو عنصر نظریات متعددی را در تحلیل نظام‌های پزشکی و چگونگی تغییر و تحول آنان عرضه داشته‌اند ولی عرصه پژوهش و تحقیق علمی با محوریت عقلانیت انجام می‌شود (۲).

تحقیقات علمی سعی بر کسب اعتبار از اجتماعات علمی دارد. اجتماعات علمی با طرح هنجارهای علمی و رعایت این هنجارها در تحقیقات، ضامن علمی بودن تحقیق است. جامعه علمی با طرح پیش‌فرض‌ها، ایستارها و تکنیک‌های خاص به حیات علم کمک جدی نموده است (۸). جامعه علمی یک جامعه‌ای کاملاً حرفه‌ای متشکل از افرادی است که بر اساس مجموعه‌ای از هنجارها، ایستارها و رفتارها به یکدیگر پیوسته‌اند و ضامن نگهداری اخلاق در تحقیقات علمی می‌باشند. جامعه علمی اندیشمندان به این لحاظ یک جامعه است که افراد آن در یک ارتباط متقابل منظم با یکدیگر قرار دارند و ضامن تداوم این ارتباط به اشتراک گذاشتن اصول اخلاقی، عقاید، ارزش‌ها، تکنیک‌هایی است که در فرآیند تولید و گسترش علم نقش‌آفرینی دارند. محققین و کارشناسان خارج از جامعه علمی چنانچه به پیش‌فرض‌ها، عقاید، ارزش‌ها و تکنیک‌های پژوهشی جامعه اعتقاد و باور داشته باشند

می‌توانند از مسیر و فنون پژوهشی جامعه استفاده نمایند و یافته‌های تحقیق خود را در مجاری علمی جامعه علمی منتشر نمایند. آنچه که در یک جامعه علمی مهم است تقید به باورهای معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی حاکم بر جامعه توسط اعضاء آن است، اگر چه بعضی اصول در بین جوامع علمی مشترک است (مانند، اخلاقات تحقیق، روش‌مند تحقیق و ارتباط بین ذهنی جهت ارائه یافته‌های تحقیق) ولی بر حسب این‌که جهان بینی و پارادایم فکری حاکم بر جامعه علمی چیست، تقیدات خاصی نیز بر جامعه علمی سایه می‌اندازد (مانند اصالت علت یا دلیل، اصالت ساختار یا کارگزار، اصالت تعمیم یا تعمیق، اصالت فهم یا تبیین اصالت وحدت یا کثرت)(3).

پارادایم به عنوان مجموعه گفتارهای منطقی است که در ارتباط بین ذهنی اندیشمندان توسط اجتماعات علمی مورد پذیرش قرار می‌گیرد و سؤالات اساسی جهت تعیین پیش‌فرض‌های علم پاسخ می‌دهد. در پارادایم مجموعه قضایای نهفته است که به درک جهان و پیچیدگی‌های درونی آن کمک می‌نماید. بر اساس پارادایم می‌توان تشخیص داد که " در این جهان چه چیزی مهم و اساسی است؟ چه چیزی مشروعیت دارد؟ و چه چیزی منطقی است؟"(۹). از نظر کوهن نیز در پارادایم به عنوان یک کیش یا آئین می‌توان به پیش‌فرض‌های اساسی، سؤالات بنیادین که باید جواب داد و نهایتاً تکنیک‌هایی که در شناخت علمی از رویدادها بکار می‌روند، دست یافت(۱۰). پارادایم به عنوان حد واسط بین فلسفه و علم، زیر بنائی فلسفی تئوریه‌ها که به نحوی هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی رویدادها و پدیده‌ها در آن نهفته است، تعیین می‌نماید.

ضعف در رعایت سلسله مراتب معرفتی جهت تدوین نظریه علمی(2) در حوزه طب اسلامی و مدل‌های قابل اجرا جهت تنظیم روابط علمی در حوزه پزشکی و مدیریت این روابط در عرصه سلامت و سبک زندگی به مشکل دیگری در ساختار حاکم بر جامعه منجر شده است. این شکل به نظام برنامه‌ریزی علمی در حوزه پزشکی و نظام سلامت کشور مربوط است.

- ۱- بررسی واقع بینانه معضلات طب اسلامی در ایران
- ۲- تلاش در جهت گسترش تفکر نظری در حوزه طب اسلامی
- ۳- ارائه تصویری شفاف از وضعیت طب اسلامی ایران
- ۴- بیان راهکارهای نظری در جهت تئوری سازی طب اسلامی

### طب اسلامی در ایران اسلامی

موقعیت جغرافیایی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و تاریخ دیرینه استقلال و جوشش فکری در زمینه های گوناگون بویژه در طب و درمان، وجود صدها دانشمند و نابغه مشهور و مورد وثوق ملل جهان در زمینه طب و درمان، وجود صدها جلد کتاب بعنوان منبع کامل دسترس طبی ایرانی و اسلامی در کشور و استعداد کشت دارو های گیاهی متنوع و بعضاً نایاب در جهان، علاقمندی و گرایش فرهنگی مردم ایران به طب بومی و اسلامی، عوارض داروهای شیمیایی، نرخ بالای درمان و بهداشت، عدم وجود پوشش درمانی جامع به وسیله طب جدید برای بیماران کشور، نقص و نارسایی سیستم درمانی پزشکی شیمیایی برای درمان مردم، وابستگی فرهنگی و سیاسی کشور در زمینه طب به کشورهای دیگر، کاهش کارآیی ملی و سطح سلامت جامعه، وفور دسته بزرگی از بیماریها و عدم توان درمان آن در جامعه (بیماری های دیابت و کلسترول، بیماری های قلبی، سردرد، آلرژی، افسردگی و ... ) و ضرورت کنترل مداوم و گران آن در جامعه و دهها دلیل دیگر از جمله عدم وجود یک تعریف کامل از شخصیت انسان توسط طب اللوپاتی، گرایشی را پدید آورده است، که بسیار پر شتاب از طب اللوپاتی روی برگردانده و به سوی طب جایگزین رو نموده است.

مکاتبی که هم اکنون بعنوان جایگزین در جهان مطرح گردیده اند، عبارتند از طب سوزنی، هومیوپاتی، هیپنوتراپی، انرژی درمانی، گیاه درمانی، حجامت درمانی، مگنوتراپی، رایحه درمانی، موسیقی درمانی و ... که کمابیش در نقاط مختلف جهان از جمله کشور ایران مورد توجه و استقبال قرار گرفته اند.

و اگر چنانچه به جای برخورد اقتباسی و قطعه برداری از مکاتب گوناگون، ما از منابع علمی گذشته خود در زمینه طب و درمان که بصورت بسیار عمیق و گسترده و همه سو نگرانه نگاشته شده و قابلیت بهره برداری بسیار ساده و سازگار با فرهنگ ملی در آن مستتر است توجه کنیم در طول مدت بسیار کوتاهی می توانیم، ضمن تامین بهداشت و سلامت جامعه زمینه ای را برای تولید علم فراهم نموده و با نشر ایده های جدید در بخش بهداشت و درمان نظر دانشمندان جهان را به سوی منابع فرهنگی و دینی و ملی معطوف ساخته و از هزینه های کلان و دارای عوارض فراوان درمانی بکاهیم و زمینه مناسبی برای استقلال در بخش درمان و بهداشت و حتی صدور خدمت در بخش بهداشت و درمان

فراهم سازیم و با توجه به بستر طبیعی و موقعیت جغرافیایی ویژه ایران با کشت دارو های گیاهی ، موجب ایجاد اشتغال گردیده و از صدور ارز دارویی جلوگیری کرده و موجبات فروش و ارز آوری داروهای گیاهی را به مردم جهان فراهم آوریم(۴).

## ضرورت احیاء مبانی پارادایمی طب اسلامی

### ۱- ارائه دیدگاه جدید در مبانی دانش پزشکی

با توجه به نارسایی طب رایج و مطرح گردیدن طب مکمل و جایگزین ، بستر جهانی برای پذیرش دیدگاه های جدید در پزشکی فراهم می باشد. امروزه همه صاحب نظران به نقاط ضعف و عدم کارایی کامل پزشکی رایج اعتراف دارند. یکی از دلایل عمده وجود نارسایی ها در علم پزشکی موجود ، همان مبانی حاکم بر علم طب و پزشکی رایج است. این نارسایی ها هم در سطح محصولات و آثار علم پزشکی رایج و هم در سطح مبانی آن قابل اثبات و مشاهده است.

هر چند پزشکان و دانشجویان مسلمان ممکن است این مبانی را قبول نداشته باشند اما این حاکمیت به آنان دیکته می گردد. طب اسلامی می تواند دیدگاه الهی را در نگرش به مبانی پزشکی مطرح نماید که به واقعیت نزدیک تر است و از بروز بسیاری از انحرافات در پزشکی پیشگیری نماید.

### ۲- کمک به تکامل دانش پزشکی

ضرورت دیگر طرح پارادایم طب اسلامی ، لزوم تکامل دانش پزشکی است. ضرورت تکامل می طلبد تا نظریه ها و تئوری های جدید و کامل ارائه گردد. طرح نظام جامع و کامل طب اسلامی می تواند به پیدایش یک محور جدید در پزشکی منجر شود. ورود نظام طب اسلامی به دلیل وحیانی بودن اصول موضوعه های خود ، افق های جدیدی در تکامل علم پزشکی خواهد گشود.

### ۳- ارائه تعریف جامع و کامل از پزشکی و مفاهیم اساسی آن

اسلام با توجه به ارزشی و احترامی که به انسان دارد تمامی زوایای این موجود را مورد بررسی قرار داده است. به همین دلیل سلامت انسان در ابعاد مختلف جسمانی ، روانی ، روحی ، خانودگی ، اجتماعی در نظام آفرینش از اهمیت بسیاری برخوردار است و اسلام نسبت به آن به طور کامل سخنانی بیان نموده که برای حفظ و ارتقای سلامت انسان ها بسیار مفید است و حیات انسان را به طور جامع

در نظر گرفته و مفهوم سلامتی و بیماری را با توجه به این حیات تعریف نموده است و کلیه عوامل تاثیرگذار بر آن ها را در نظر گرفته است.

۴- پاسخ گویی به نیازهای جامعه اسلامی

یکی از نیازهای نظام اسلامی ، تولید علمی است که با ارزش های الهی شکل گرفته باشد. امروزه پزشکی جدید آمیخته با پیرایه های فرهنگ غربی است که در تارو پود مسائل بهداشتی و درمانی آن ریشه دوانیده است.

باید اصول شناخته شده علم پزشکی را با فرهنگ غربی حاکم بر پزشکی جهان یکسان ندانست. امروزه از مهندسی ساختمان بیمارستان ها ، دکوراسیون مراکز بهداشتی- درمانی و اطاق عمل و زایمان گرفته تا وسایل ، ابزار ، کیفیت برخوردها ، روابط افراد و حتی نحوه تولید دارو ، بسته بندی آن ، طبقه بندی مسائل بهداشتی و درمانی ، نام ها و اصطلاحات ، شیوه تحقیق و هزاران مسائل دیگر در پزشکی رایج ، آمیخته با سنن و آداب فرهنگ غرب می باشد

آشنایی با طب اسلامی می تواند با مطرح کردن ملاک ها و معیارهای تشخیص سره از ناسره ، پزشکان و دانشجویان مسلمان را یاری نماید تا ضمن آگاهی از داشته های خود با تحریف در این دانش نیز آشنا گردند.

۵- بازگشایی افق جدید و ناشناخته در پزشکی

در آموزه های دین اسلام ، بسیاری از نکات گران بها و بکر وجود دارد که از سوی معصومین (ع) مطرح گردیده است که به دلیل عدم آگاهی افراد ( حتی پزشکان و دانشجویان مسلمان) ، بستر لازم برای اطلاع رسانی آنها وجود نداشته است. از سوی دیگر به علت نقص فهم بشری محدودیت علم حصولی افراد ، این آموزه ها در سایر نقاط جهان ناشناخته مانده است.

بیان تمام آموزه های دینی در طب اسلامی می تواند ضمن آشنایی افراد مسلمان و غیرمسلمان با آنها، زمینه و بستر را در مورد بررسی و پژوهش بر روی این موضوعات فراهم سازد و بسیاری از نکات مبهم و معضل در پزشکی را برطرف سازد.

۶- ایجاد اعتماد به نفس و خودباوری

یک قاعده کلی در اسلام آن است که مسلمانان هیچ گاه تحت سلطه و سیطره غیرمسلمانان قرار نگیرند ، خداوند در قرآن می فرماید:

" خدا هر گز سرپرستی کافرین را بر مسلمانان قرار نداده است «سوره نساء آیه ۱۴۱» قاعده برخاسته از این آیه قرآن که به عنوان " نفی سبیل " یعنی نفی راه های تسلط کافرین بر مسلمانان معروف گشته است یک نوع تکلیف بر دوش مسلمانان قرار می دهد که برای خروج از سیطره علمی و فناوری غرب از حالت تقلید از آنان تلاش نمایند.

امروزه که در کشور ما ، ضرورت جنبش نرم افزاری و ایجاد تمدن جدید اسلامی مطرح است تا علوم را براساس رهنمودهای دینی پایه ریزی نماید. مطرح نمودن طب اسلامی می تواند اولاً نوعی اعتماد به نفس برای جامعه پزشکی ایجاد نماید و روحیه خودباوری را در آنان تقویت کند که داده های تئوری آنان بسیار فراتر از نظریه ها و تئوری های مطرح در غرب است.

ثانیاً طب اسلامی که یکی از مهم ترین علوم اسلامی است با طرح مبانی جدید در علم طب، رویکردی جدید در جهت رشد و تکامل دانش پزشکی در داخل کشور ایجاد می نماید. گرچه برای رسیدن به این هدف عالی، موانعی وجود دارد که باید در جهت برطرف سازی آن گام برداشت. در پایین به چندین عامل مهم دیگر نیز اشاره می شود.

- عدم هیچگونه وابستگی به دنیای غرب و آمریکا که آرمان کشور ما می باشد.
- متدهای درمانی و داروهای مصرفی کاملاً تعریف شده می باشد.
- روشهای درمان بسیار متنوع و کاربردی می باشد.
- با گسترش آن اشتغالزایی خود اکتفا ایجاد می کند.
- از خروج میلیون ها دلار ارز و سرمایه از کشور جلوگیری می کند.
- قادر به جذب بیماران کلیه کشورهای جهان می باشد و ارز آوری مناسب خواهد داشت.
- می توان شعب مختلف در کشورهای مختلف دائر کرد (البته بعد از نتایج درمان و تحقیقات)
- از بسیاری از روشهای درمانی آلترناتیو در دنیا که معروفیت زیادی نیز پیدا کرده اند از جمله طب سوزنی ، هامیوپاتی ، یوگا ، طب Herbal و ... کامل تر و موثرتر می باشد.
- هزینه درمان آن بسیار پایین تر خواهد بود.
- قابل رقابت با بسیاری از متدهای درمانی پر سرو صدای دنیای غرب می باشد.
- سازگاری بسیار در بدن انسان نسبت به آن وجود دارد .
- بر خلاف علم مدرن و کلاسیک برای اکثریت بیماریها " علت " مطرح می کند.
- بالغ چند هزار سال تجربه شده است.

- پزشکان ایرانی در این طب مشهور هستند و درمانهای موثر آنان در کتب تاریخی دنیا وجود دارد.
- ارکان این طب و علل مطرح شده برای بیماری و یا حتی اصول درمان در طول سالیان دراز تغییرات اندکی داشته است.
- قادر به درمان بسیاری از بیماریهای لاعلاج و صعب‌العلاج می باشد.
- از همه مهمتر این طب جایگاه ارزشمندی در نظرات ائمه (ع) و پیامبر (ص) دارد.
- بسیاری از مسلمانان (شیعه و سنی) معتقد و تابع دستورات طب اسلامی می باشند و می دانیم که حدودیک چهارم جمعیت دنیا مسلمان می باشند(۴).

### تئوری سازی در طب اسلامی

زمانی که بحث از نظریه علمی می شود، لازم است به مفهومی شبیه به نظریه را که تحت عنوان دانش عامه که به عنوان عقل سلیم نیز در ادبیات علمی مطرح می شود، اشاره نمود. دانش عامه مجموعه‌ای از عقاید، انتظارات، گرایش‌ها و استنباط‌های مربوط به زندگی روزمره انسانهاست که افراد محتوای آن را بر یک بنیان منظم قرار می‌دهند(۵). انسان متکی بر شعور عامیانه سعی بر شناسایی پدیده‌ها در رویدادها و موضع‌گیری در مقابل آنها می‌نماید. به عبارت دیگر موضع‌گیری نظری افراد در مقابل رویدادها بر اساس شعور عامیانه آنهاست. اگر چه شعور عامیانه در فرآیند زندگی اجتماعی انسانها و بر اساس تجربیات و تعاملات آنها با دنیای اجتماعی و دنیای طبیعی شکل می‌گیرد و لی نمی‌توان آن را با معرفت علمی که روش‌مند مشکل می‌گیرد و اعتباریابی علمی بر آن انجام می‌شود معادل‌گیری کرد. شعور عامیانه در حقیقت توانائی انسان برای درک موارد مهم از غیر مهم و یافتن سنخ‌های مشابه در میان مفاهیم متفاوت است. اگر چه در ساخت‌بندی نظریات علمی، عقلانیت انسان مسئولیت دارد ولی در شعور عامیانه مسئولیت اصلی با خلاقیت انسان است. در شعور عامیانه شاهد مفاهیم سیال و نوعی توانمندی انسان هستیم که اساساً متکی بر تعاملات انسانی می‌باشند(۲).

این که واقعاً رابطه بین نظریه و شعور عامیانه چگونه است بدون رجوع به مبنای پارادایمی معرفت علمی امکان پذیر نمی‌باشد. آنچه قابل ذکر است وجود رابطه و وابستگی بین این دو نوع معرفت است که اینکه اصالت کدامیک و آنها با بار ارزشی فلسفی و پارادایمی مطرح است، رجوع به تعهد معرفت شناختی مکتب فکری و یا اندیشمند ضرورت دارد. البته منهای توجه معرفت شناختی به جایگاه و

کارکرد شعور عامیانه تمایز آن با نظریه، اندیشمندان از زوایای متفاوت پیرامون این دو نوع معرفت اظهار نظر کرده‌اند.

هافستاتر (۱۹۸۵) و برخی فیلسوفان مشهور مانند پوپر (۱۹۷۹) معتقدند که فرآیند نظریه سازی از شعور عامیانه (دانش عامه) آغاز می‌گردد. البته بدین معنا نیست که دانش عامه و نظریه به یک معنا می‌باشند تا جایی که پوپر هشدار می‌دهد باید با آنچه تحت عنوان دانش عامه ادعا می‌شود، برخوردی انتقادی کرد. به نظر می‌رسد که اظهار نظر هافستاتر و پوپر از این لحاظ قابل تعمق است که در بسیاری موارد نظریات علمی محصول جرقه‌های خلاقانه اندیشمندان است. درک خلاقانه سقوط سیب از درخت توسط نیوتن به کشف قاعده عقلایی نیروی جاذبه (نظریه علمی) گردید. دانشمند موظف می‌شود که فهم خلاقانه خود را از رویدادهای اجتماعی در مسیر ارزیابی عقلایی قرار دهد. مسیر عقلانیت، مسیر روش‌مند و مورد اتفاق نظر اجتماعی از اندیشمندان است که به دنبال قاعده‌مندی در واقعیت یا رویداد اجتماعی می‌باشد. نیز تمایز جدی بین علم و دانش عامه قائل نشده است ولی به تفاوت‌های بین این دو اشاره می‌کند. به عنوان مثال او معتقد است که دانش عامه دقیق است اما دلایل دقت آن نادرست یا ناشناخته است. دانش عامه فاقد گزاره‌های عام آزمون شده‌ای می‌باشند که قابلیت پیش‌بینی داشته باشند و به همین لحاظ دانش عامه غالباً کاربردی است تا تبیینی. نظریه علمی به دنبال سازماندهی و طبقه‌بندی معرفت بر اساس اصول تبیین می‌باشد و بر خلاف دانش عام از محدودیت خود در زمینه روائی و کاربرد پذیری آگاهی دارد. نظریه‌های علمی در جستجوی فهم مکانیسم‌های پنهان پدیده‌ها و چگونگی اثرپذیری از شرایط موجود هستند. دیدگاه ناگل از این لحاظ قابل توجه است که دانش عامه خصیصه کاربردی و نظریه ویژگی تبیین دارد (۲).

برخورداری از پارادایم علمی، اتکاء بر نظریه علمی و طراحی مدل معتبر رمز موفقیت تحقیقات علمی در تولید و گسترش معرفت علمی معتبر از نظام بومی سازی علوم پزشکی است. چنانچه هر کدام از این عناصر از شفافیت و صحت لازم برخوردار نباشند، اعتبار آنچه تحت عنوان معرفت از واقعیت ابداع می‌شود، مورد تردید است. این طبیعی است که انسان به‌خاطر انسان بودنش دارای دانش عامه است. بر اساس دانش عامه می‌توان ادعاهای نظری پیرامون پدیده‌ها و رویدادها مطرح کرد ولی این که ادعای نظری تا چه حد منطقی است و تا چه حد از اعتبار در ارزیابی تجربی برخوردار است، شرط پذیرش آن به عنوان ادعای نظری علمی خواهد بود. متأسفانه در برخی موارد، ادعاهای نظری برخی محققین و کارشناسان در کشور تحت عنوان نظریه‌پردازی مطرح می‌شود. نظریه پردازی (با

صبغه رویکرد کمی و یا کیفی) نیازمند پارادایم علمی روشن و جلب توافق بین ذهنی اجتماعاتی از اندیشمندان است. ضعف در الگوی پارادایمی حاکم بر ادعای نظری، عدم ارائه آن در مجاری علمی موجود در سطح جهانی جهت نقدپذیری و نهایتاً عدم جلب اتفاق نظر اجتماعاتی از اندیشمندان، باعث می‌شوند که ما نتوانیم یک گفتگوی نظری را تحت عنوان نظریه پردازی به جامعه عرضه نمائیم (۵).

ادعاهای نظری باید فراتر از عقاید شخصی، تجربیات فردی، تمایلات و تعصبات انسان عرضه شود. معرفت نظری در فرآیندی تولید و باز تولید می‌شود که خصیصه حاکم بر آن فرآیند، توسعه و بهبود معرفت است. اندیشه‌های معتبر می‌توانند اعتبار زیادتری کسب کنند و اندیشه‌های غیر معتبر می‌توانند مورد تجدید نظر قرار گیرند تا معتبر شوند. بنابراین باید یک ادعای نظری را بر حسب این که در چه فرآیندی تولید و باز تولید می‌شود، مورد ارزیابی قرار داد. ادعاهای نظری که در فرآیند علمی تولید و باز تولید می‌شود باید قابل فهم باشد. قابل فهم بودن که خود شاخص ارزیابی ادعای نظری است، موارد وسیعی را در بر می‌گیرد. از وسعت و سطح کاربردی آن تا باز تولید مشاهدات تجربی که جهت حمایت آن مواجه می‌شود، شامل می‌گردد. یک ادعای نظری لازم است که از معیارهای ساختاری (مانند: روشنی، عمومیت، دقت و کامل بودن) و معیارهای تجربی (مانند: مرتبط بودن، تکرار پذیری، همخوانی) برخوردار باشد (۱۱).

حال برای اینکه تئوری‌ها در مجامع علمی دنیا قابل ارائه باشد احتیاج به کار تحقیقاتی می‌باشد، که این کار تحقیقاتی می‌بایست در ۲ شاخه کار خود را آغاز کنند (۱) بررسی علل و مکانیسم‌های موجود در نحوه تاثیر پذیری این روشها در درمان بیماران که فیزیوپاتولوژی بیماری و درمان نامیده می‌شود. (۲) انجام کار تحقیقاتی بر روی بیماری‌های شناخته شده در رشته‌های مختلف و ثبت نتایج بدست آمده و ارائه آمار تحقیقاتی قابل طرح در مجامع علمی دنیا.

## نتیجه گیری

تمام علوم دنیا سر منشأ الهی دارند و از سرچشمه وحی و ولایت سیراب گشته اند از جمله علوم مهم در مورد انسان طب و پزشکی می‌باشد که در طی دورانهای متمادی سر رشته اصلی توسط پیامبران و اولیاء بیان گشته و حکماء و اطباء با ادامه مسیر این رشته را بارورتر و وسیع تر نموده اند. پس از ورود و گسترش اسلام طب سنتی و طب اسلامی با هم آمیخته شد و باعث جهشی بلند در راستای تکامل این علم گشت و از آن دوران به بعد اطباء و حکمای بزرگی در این سرزمین پدیدار گشتند. در این طب برای انسان روان و تن بیان شده که با هم در ارتباط بوده و اثرات هر یک در دیگری نمود ظاهری دارد و با انجام روشهای درمانی بر هر یک دیگری نیز رو به سلامت می‌رود ولی

معمولاً بیماریها و دردها ریشه روانی دارند که در جسم عوارض جانبی آنها مشاهده می شود که جهت درمان کامل، عامل روانی باید از بین برود تا سلامت کامل بدست آید و با استفاده از دارو و روش درمانی بر جسم شرایط مناسبی برای رو به سلامت رفتن روان ایجاد می شود. از آنجا که در آیین اسلامی ما علاوه بر تشویق به کلیات علم، به فراگیری یک علم خاص نیز توصیه شده برای مثال از آنها حکایت شده که علم پزشکی را هم ردیف علم دین قرار داده‌اند: «العلم علما، علم الادیان و علم الابدان» (۶) و در این باره توصیه‌های موکد بهداشتی و درمانی معصومین (ع) به صورت مجموعه‌های پزشکی و بهداشتی مدون شده که از آن جمله «طب النبوی»، «طب الصادق» و «طلب الرضا» مشهور است و دانشمندان مسلمان اعم از سنی و شیعه کتاب‌های زیادی در مورد احادیث طبی به نگارش در آوردند که خود زمینه‌ی رشد و شکوفایی پزشکی در بین مسلمانان شده است (۷).

با ورود جهان به دوران مدرن آنچه نظر بسیاری از متفکران حوزه پزشکی را به خود جلب کرد ماهیت رابطه میان صورتبندی طب جدید با نظام طب سنتی بود، چرا که به نظر می رسید نظام مدرن ساختارها طب سنتی را به چالشی جدی کشیده است. در این میان طب اسلامی یکی از این حوزه های اساسی طب سنتی بود که از همان ابتدا مورد بحث و گفتگوی فراوان تفکر مدرن می باشد. لذا تغییر جایگاه طب اسلامی در جامعه جدید به موضوعی مهم در محافل علمی و فلسفی اسلامی تبدیل شد و بسیاری از اندیشمندان اسلامی را بر آن داشت تا با بررسی و شناخت هر چه بیشتر طب اسلامی از جنبه های گوناگون، رابطه آن با طب مدرنیته را درک کرده و همچنین آینده آن در جامعه جدید را پیش بینی کنند.

موقعیت جغرافیایی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و تاریخ دیرینه استقلال و جوشش فکری در زمینه های گوناگون بویژه در طب و درمان، وجود صدها دانشمند و نابغه مشهور و مورد وثوق ملل جهان در زمینه طب و درمان، وجود صدها جلد کتاب بعنوان منبع کامل دسترس طبی ایرانی و اسلامی در کشور باعث شده است که توجهات جهانی بر روی طب اسلامی متمرکز باشد. اما از آنجایی که طب اسلامی در ایران بصورت نظام سلسله مراتب معرفتی مورد مطالعه واقع شود و مهمتر از این بصورت زبان علمی دنیا بیان نشده است بدین لحاظ نتوانسته است جایگاه واقعی خود را در بین نظام پزشکی دنیا باز کند. بین جهت ضروری است ضمن سامان دهی این طب و احیاء مبانی پارادایمی طب اسلامی به ابعاد گسترش طب اسلامی در سطح جهانی پرداخت.

## پیشنهادهای تحقیق

بدون شک نتایج توسعه طب اسلامی بدلیل نرخ پایین داروهای گیاهی ، فقدان عوارض جانبی شیوه های درمانی ، نیاز کمتر به دستگاه ها و ابزارهای آزمایشگاهی و تصویر برداری، کاهش روش های جراحی و ... سبب کاهش نرخ درمان در تمام سیستم های بهداشتی درمانی کشور خواهد شد و این کاهش هزینه های جاری می تواند خود یک عامل تشویق مهم یک منبع مالی بسیار خوب برای تحقیق و توسعه طب اسلامی باشد. بدین لحاظ پیشنهادهایی در جهت توسعه و گسترش این علم بر اساس مطالعات متعدد و گوناگون ارائه می شود.

- جهت گیری مطالعات به سمت طراحی پارادایم اسلامی
- ایجاد تئوریهای مختلف از حوزه پارادایم اسلامی و مورد نقد گذاشتن در مجامع علمی مختلف جهانی
- نوشتن مقالات متعدد به زبان علمی دنیا جهت گسترش طب اسلامی
- ایجاد انجمنهای پزشکی تخصصی ایران جهت درمان بیماریهای مختلف توسط طب اسلامی
- هزینه و تاسیس انتشار یک نشریه اختصاصی در مورد طب اسلامی ایران
- طرح مباحث ساده و پایه ای بهداشتی و طب اسلامی در کتب مدارس و کار ریشه ای از سطوح آموزش و پرورش و ایجاد درسی بنام طب اسلامی در مقاطع مختلف تحصیلی
- آشنا کردن عموم با اساسی ترین رکن طب اسلامی که شناخت طبع و مزاج می باشد. از طریق برنامه های تلویزیونی و جراید و ...

## منابع:

- ۱- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۰). مقدمه ای بر تحلیل نهادین مدرنیته و مدرنیسم، در مدرنیته و مدرنیسم: سیاست، فرهنگ و نظریه‌ی اجتماعی به کوشش حسینعلی نوذری، چاپ دوم، تهران: انتشارات نقش جهان.
- ۲- (ایمان، ۱۳۸۸).
- ۳- فی، برایان (۱۳۸۳)، پارادایم‌شناسی علوم انسانی، ترجمه: مرتضی مردیها، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۴- عزیز خانی، محمد (۱۳۸۴). کاربرد ی سازی طب اسلامی و طب سنتی ایرانی در نظام بهداشت و درمان کشور. موسسه تحقیقات حجامت ایران، مجلد اول؛ گونه ۰، ۱.
- ۵- ایمان، محمدتقی (۱۳۸۱)، ارزیابی نظری روائی معرفت علمی علوم اجتماعی در ایران، همایش چالش‌های علوم انسانی در ایران، دانشگاه شیراز، دانشکده ادبیات علوم انسانی ۷۱-۵۲.
- ۶- بحارالانوار، ج ۱، ص ۲۲۰.
- ۷- ر.ک: نگارش احادیث طبی، دکتر غلامرضا نورمحمدی، ص ۱۱۰، مجله پژوهش حوزه، سال پنجم، ۱۸ - ۱۷.

8- Neuman, W.L.(19971), *Social Research Methods, Qualitative and Quantitative Approaches*, London: Allyn and Bacon.

9-Patton, M.(1990), *Qualitative Evaluation and Research Methods*, New bury Park: Sage , P.37.

10-Kuhn, T.S.(1970), *The Structure of Scientific Revolution*, 2nd ed. Chicago: University of Chicago Press.

11-Wagner, D.G.(1994). "The Growth of Theories", in M. Foschi and E.J. lawler(eds.) *Group processes, Sociological Analysis*, U.S.A: Nelson-Hall, Inc.